

مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران

صادق سلیمی*

استادیار گروه آموزشی حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۷/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۹/۱۷)

چکیده:

مجرمین یقه سفید کسانی هستند که با سوءاستفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرایم سودآور غیرخشن می‌شوند. مهم‌ترین مصادیق جرایم ارتكابی مجرمین یقه سفید عبارتند از: کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشا)، جرایم کاری و استخدامی، جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف‌کنندگان، جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرایم زیست محیطی، جرایم رایانه‌ای و جرایم گمرکی. برخی از جرایم یقه سفیدی بزه دیده مستقیم دارند و برخی بزه دیده مستقیم ندارند ولی به هر حال جامعه و اعضای آن بزه دیده واقع می‌شوند. از این رو، کلیه افراد جامعه باید تشویق به همکاری در مقابله با این جرایم شوند و به اندازه کافی تحت حمایت قانونی واقع شوند. در ایران بیشتر مصادیق جرایم یقه سفیدی جرم‌انگاری شده ولی تناسب لازم در مقام مقایسه بین مصادیق مختلف این جرم با توجه به آثار آنها صورت نگرفته است.

واژگان کلیدی:

جرم یقه سفید- جرم اقتصادی- جرم سازمان یافته- جرم غیرخشن.

۱- مقدمه

اصطلاح «یقه سفید» که در متون جزایی و جرم‌شناسی ممالک غربی سابقه‌ای زیاد دارد، در سال‌های اخیر در محافل دانشگاهی و قضایی کشور مورد توجه واقع شده است. دادستان تهران در سال ۱۳۸۲ در اوایل شروع به کار خویش اعلام کرد: «یکی از سیاست‌های کیفری دادستانی استان تهران رسیدگی به جرایم افراد خاص است که در اصطلاح جرم‌شناسی به مجرمین یقه سفید معروف شده‌اند» (ایران، ۱۳۸۲). وی سپس در تعریف این اصطلاح افزود: «اصطلاح مجرمین یقه سفید برای افرادی به کار می‌رود که دارای خصوصیات خاصی هستند. این مجرمان تخصص و تبحر خاصی در ارتکاب جرم دارند و هنر آنها این است که جرایمی را که مرتکب می‌شوند، قانونی جلوه می‌دهند علی‌الظاهر جرم ارتكابی این گروه از مجرمین توأم با خشونت نیست و آنها از جایگاه اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ویژه‌ای برخوردارند. این جایگاه توانایی‌هایی خاصی را به آنها می‌دهد. تصور بر این است که با اولویت دادن به رسیدگی جرایم این‌گونه افراد، شاهد برخورد قاطع با تبعیض و فساد و مفساد اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی باشیم و در آینده شاهد فعالیت‌های علمی و فرهنگی امن‌تری خواهیم بود...» (ایران، ۱۳۸۲).

جرایم یقه سفیدها به خاطر ماهیتی که بدون خشونت و غالباً بدون بزه دیده مستقیم ارتکاب می‌یابند، کمتر از جرایمی مانند قتل، آزار جنسی، سرقت مسلحانه و حتی سرقت معمولی توجه افکار عمومی و به تبع آن توجه دولت مردان را به خود جلب می‌کنند. از سوی دیگر، این جرایم به خاطر پیچیدگی خاص خود و صاحب نفوذ بودن مرتکبان، در بیشتر موارد کشف و تعقیب نمی‌شوند یا به خاطر انحراف روند اجرای عدالت، به سرانجامی نمی‌رسند. تردیدی نیست که در ایران مجرمین یقه سفید بطور گسترده به فعالیت‌های مجرمانه اشتغال دارند. با این حال، ابهامات و اختلاف نظرهای زیادی در خصوص مفهوم و دایره شمول «مجرمین یقه سفید» نه تنها در میان مراجع قضایی و دانشگاهی ملی، بلکه در سطح جهانی وجود دارد. بنابراین، مفهوم، مصادیق و ویژگی‌های این جرایم و مرتکبین آنها و همچنین ارتباط آنها با جنایات سازمان یافته فراملی باید روشن شود.

۲- مفهوم

مجرم یقه سفید به فردی اطلاق می‌شود که با سوءاستفاده از موقعیت شغلی قانونی خود، با ارتکاب اعمال غیرخشن به ظاهر قانونی، منافع غیرقانونی به دست می‌آورد. این افراد از پست‌های عمومی خود سوءاستفاده کرده به نفع خود از اموال و امکانات عمومی بهره‌برداری می‌کنند. از نظر حقوق کیفری به موجب اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، فقط آن دسته

از اعمال یقه سفیدها قابل تعقیب کیفری است که از قبل به موجب قانون جرم شناخته شده باشد (مانند کلاهبرداری، اختلاس...). مجرمین یقه سفید به اعمال خشن و سنگین دست نمی‌زنند و در ظاهر چهره و موقعیت اجتماعی موجه دارند. لذا از طرفی شناسایی آنان با مشکل مواجه می‌شود از سوی دیگر تعقیب کیفری آنان به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

اصطلاح «جرم یقه سفید» اساساً یک اصطلاح جرم‌شناسی است که نخستین بار توسط ادوین ساترلند (Edvin Sutherland) در ۱۹۳۹ به کار رفت. وی این اصطلاح را به عنوان «جرم ارتكابی توسط شخصی قابل احترام و دارای موقعیت اجتماعی بالا با استفاده از وضعیت شغلی خود» تعریف کرد (Sutherland, 1983:7). هرچند در دایره شمول جرایم یقه سفید اختلاف نظرهایی وجود دارد، لیکن امروزه این اصطلاح در مورد تمام جرایم غیرخشنی که در مبادلات بازرگانی برای منافع اقتصادی ارتكاب یابند، به کار می‌رود. نظر به اینکه مرتکبین این‌گونه جرایم افراد صاحب نفوذ و موجه‌نمایی هستند که با یک سلسله عملیات پیچیده سعی در مخفی کردن فعالیت‌های مجرمانه خود می‌کنند، لذا تعقیب این جرایم در بیشتر موارد به راحتی میسر نمی‌شود یا به نتیجه مورد انتظار نمی‌رسد.

وزارت دادگستری ایالات متحده تعریف ذیل را برای «جرم یقه سفیدی» پیشنهاد کرده است: «جرم غیرخشنی که با اهداف مالی و به صورت فریبکارانه توسط اشخاصی با موقعیت شغلی کلیدی، حرفه‌ای یا نیمه حرفه‌ای ارتكاب می‌یابد که این افراد از مهارت‌ها و فرصت‌های شغلی خود استفاده می‌کنند. همچنین این عنوان شامل جرایم غیرخشن با اهداف مالی و با استفاده از فریب می‌شود که توسط هر شخص دارای اطلاعات فنی و حرفه‌ای در مسایل کاری و حکومتی صرف‌نظر از موقعیت شغلی مرتکب، انجام شود (Green, 2004, b:12).

سؤالی که مطرح می‌شود اینکه آیا جرم یقه سفید فقط در مورد «جرایم» مطرح می‌شود یا شامل کژروی‌های اجتماعی نیز می‌شود. از نظر حقوق کیفری، «جرم» مفهومی خاص و روشن دارد و واژه جرم فقط در صورتی کاربرد دارد که قانون‌گذار عملی را جرم دانسته و برای مرتکب آن ضمانت اجرایی کیفری پیش‌بینی کرده باشد. با وجود این، بیشتر جامعه‌شناس‌ها و جرم‌شناس‌ها دایره شمول این واژه را وسیع‌تر ترسیم می‌کنند. ساترلند هنگامی که از این واژه استفاده کرد، به مواردی همچون ایجاد انحصار در تجارت، برچسب‌های خلاف واقع روی مواد غذایی، به کارگیری نیروی کار به صورت غیرعادلانه و نظایر آن توجه داشت که یا ضمانت اجرایی کیفری نداشتند و یا عملاً تحت تعقیب کیفری قرار نمی‌گرفتند (Green, 2004, b:105). بنابراین، در تحلیل جرایم یقه سفید باید علاوه بر مفهوم «جرم» در حقوق کیفری، به مفهوم جرم در جرم‌شناسی که شامل هرگونه کژروی و نقض هنجارهای اساسی جامعه است، توجه داشت. برخی مصادیق جرایم یقه سفید در قوانین جزایی ایران جرم‌انگاری شده‌اند لیکن نباید

دنبال عنوان «جرم یقه سفید» در قوانین جزایی گشت؛ چون صبغه جرم شناسی این واژه بر جنبه جزایی آن برتری دارد.

۳- مصادیق

مقصود از «مصادیق» جرم یقه سفید بیان آن دسته از اعمال خلاف هنجارهای اجتماعی است که به موجب قوانین جزایی «جرم» شناخته می‌شود. با این حال، مواردی مانند برخورداری از پاداش و مزایای شغلی به صورت ناروا، از مصادیق اعمال ارتكابی مجرمین یقه سفید هستند که هرچند عنوان جزایی نداشته باشند، شاید آثار زیان بار آن بیشتر از اعمالی باشد که صریحاً جرم شناخته شده‌اند. یادآور می‌شویم که احصاء مواردی از مصادیق جرم یقه سفید اولاً به هیچ وجه جنبه حصری ندارد؛ ثانیاً، بیان این مصادیق بدان معنی نیست که جرایم شمرده شده همواره به منزله‌ی جرم یقه سفید محسوب می‌شوند. برای نمونه جرم «کلاهبرداری» یکی از جرایمی است که هم توسط مجرمین یقه سفید و هم سایر مجرمین ارتكاب می‌یابد. برخی نویسندگان، کلاهبرداری، جرایم مرتبط با حقوق مصرف‌کنندگان، جرایم مرتبط با برچسب و بهداشت مواد غذایی و جرایم زیست محیطی از قبیل ایجاد آلودگی با ریختن مواد سمی و آلوده را مهم‌ترین مصادیق جرایم یقه سفید برشمرده‌اند (Croal 2001:17).

به طور خلاصه مهم‌ترین مصادیق جرایم یقه سفید را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۳-۱- کلاهبرداری: منظور از کلاهبرداری صرفاً کلاهبرداری سستی و آنچه در تعریف قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری (۱۳۶۷) می‌گنجد، نیست؛ بلکه مقصود کلاهبرداری از بخش عمومی با توسل به وسایل متقلبانه برای چپاول اموال عمومی است. اختلاس، جرایم مالیاتی، جرایم مربوط به بیمه و برقراری مستمری و حقوق بیکاری برای افراد فاقد شرایط، از مهم‌ترین عناوین مجرمانه‌ای هستند که مجرمین یقه سفید مرتکب می‌شوند.

در بیشتر موارد رفتار مجرمین یقه سفید ظاهری کاملاً قانونی به خود می‌گیرد. در واقع آنان با حیل‌های قانونی طوری رفتار می‌کنند که الفاظ و ظاهر قانون رعایت می‌شود؛ هرچند روح قانون نقض می‌شود (McBarnet, 2006:22).

۳-۲- فساد مالی: بارزترین مصداق فساد مالی «ارتشاء» است، ولی دایره شمول «فساد مالی» وسیع‌تر از ارتشاء است. سوءاستفاده‌هایی که در مزایده‌ها و مناقصه‌های عمومی، اعطای امتیازات و تسهیلات عمومی صورت می‌گیرد، همگی مشمول این عنوان است. اعمال نفوذ بر مقامات سیاسی و نمایندگان مجلس برای طرح یا تصویب موضوعی خاص که منافع سرشاری برای گروهی خاص به همراه دارد، از دیگر مظاهر فساد مالی است. همچنین فساد مالی در

معاملات بین‌المللی اعم از صادرات و واردات و سرمایه‌گذاری خارجی امر شایعی محسوب می‌شود.

۳-۳- جرایم استخدامی: در این زمینه استخدام و گماردن افراد مورد نظر در منصب‌های کلیدی خارج از ضوابط قانونی و محروم کردن متقاضیان واجد شرایط از حق اشتغال و نیز رفتار تبعیض آمیز با مستخدمان و محروم کردن مستخدمین از حقوق قانونی خود، ابعاد مختلف قضیه را نشان می‌دهند. مجرمین یقه سفید با شگردهای به ظاهر قانونی، مستخدمان را از حقوق قانونی اعم از سلامت و ایمنی محیط کار و تضمینات شغلی محروم می‌کنند.

۳-۴- جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف‌کنندگان: دامنه جرایمی که حقوق مصرف‌کنندگان را نقض می‌کند، شامل مراحل مختلف تولید، توزیع و فروش کالاها و خدمات می‌شود. این جرم برخی اوقات به صورت کلان توسط تولیدکنندگان کالاها با عیوب پنهانی صورت می‌گیرد و گاهی توسط فروشندگان جزء به صورت ارائه کالاها با عیوب و فاقد حداقل معیارهای لازم یا ارائه کالا با برچسب غیرواقعی یا با قیمت غیرواقعی به وقوع می‌پیوندد (Croal 2001:36-8).

۳-۵- جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی: این جرایم ماهیتاً در چارچوب عنوان قبلی قرار می‌گیرند؛ اما به خاطر اهمیت آن نسبت به سلامت افراد و ویژگی‌های خاص آن جداگانه دسته‌بندی و بررسی می‌شوند. مواد غذایی نیز نوعی کالا به شمار می‌رود که نهایتاً مصرف‌کنندگان جهت استفاده خریداری می‌کنند. با این حال، کیفیت و بهداشت مواد غذایی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ از این رو در اغلب کشورها مقررات خاصی در این زمینه تدوین شده است. علاوه بر نقض مقررات بهداشتی و کیفیت لازم و الصاق برچسب‌های خلاف واقع، در کشوری نظیر ایران که به مایحتاج ضروری مردم و در رأس مواد غذایی یارانه دولتی تعلق می‌گیرد، سوءاستفاده از یارانه‌های اختصاص یافته و یا تحصیل خلاف قانون این یارانه‌ها یکی از موارد بارز جرایم ارتكابی یقه سفیدها محسوب می‌شود.

عدم آگاهی خریداران مصرف‌کننده از کیفیت و بهداشت مواد غذایی و دارویی و حساس بودن و فراوانی میزان عرضه آن موجب می‌شود تا متخلفین فرصت طلب منافع زیادی را عاید خود کنند (Norbert et al, 2006:2-3).

۳-۶- جرایم زیست محیطی: مجرمین یقه سفید با اعمال نفوذ در نظام حکومتی اقدام به پاره‌ای اقدامات سودجویانه غیرمجاز می‌کنند که منجر به صدمه به محیط زیست بشری می‌شود. برای نمونه احداث کارخانجات خارج از استانداردهای لازم و در اماکن غیرمجاز می‌تواند منجر به آلودگی هوا از طریق فعالیت کارخانه به خاطر عدم رعایت کیفیت مورد نیاز باشد. همچنین آلودگی صوتی برای ساکنین و ریختن غیرمجاز ضایعات در محیط زیست

که نهایتاً موجب آلودگی محیط خشکی یا آب‌های رودخانه‌ها، دریاها و دریاچه‌ها می‌شود، نمونه‌های دیگری از جرایم زیست محیطی هستند.

۳-۷- جرایم رایانه‌ای: گسترش رایانه و اینترنت در کنار فواید فراوان علمی و اقتصادی، برای مجرمین یقه سفید نیز امکاناتی فوق‌العاده برای کسب منافع غیرقانونی ایجاد کرده است. ورود غیرمجاز به بانک اطلاعاتی رایانه‌های متعلق به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی و سوءاستفاده از آن و همچنین تخلیه کارت‌های اعتباری دیگران از مصادیق بارز این جرایم هستند. تردیدی نیست که رایانه و اینترنت علاوه بر این، برای تسهیل ارتکاب سایر جرایم از قبیل جعل و کلاهبرداری مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند.

۳-۸- جرایم گمرکی: به منظور حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان داخلی و نیز ایجاد منبع درآمد برای دولت، کشورهای مختلف حسب سیاست‌های کلی خود مقرراتی برای واردات و صادرات کالا وضع کرده‌اند تا برای ورود و صدور هرکالایی مبالغی دریافت گردد. اصولاً برای ورود کالاهای لوکس و تزئینی که مایحتاج ضروری مردم به شمار نمی‌روند و گران قیمت هستند، عوارض گمرکی بیشتری دریافت می‌شود؛ در نتیجه قیمت این کالاهای وارداتی به صورت تصاعدی بالا می‌رود. بنابراین، اگر گروه‌هایی بتوانند بدون پرداخت حقوق و عوارض قانونی اقدام به ورود این کالاها نمایند، سود سرشاری نصیب خود می‌کنند. ایجاد کانال‌ها و اسکله‌های خارج از نظام گمرکی و نیز اعمال نفوذ و عدم پرداخت عوارض قانونی نمونه‌های بارز این جرایم هستند.

۴- ویژگی مجرمین یقه سفید

در بررسی ویژگی جرایم یقه سفیدی، وجه تمایز اصلی ویژگی «مرتکبان» این جرایم است نه خود «جرایم»؛ یعنی موقعیت بالای اجتماعی و اقتصادی، آنها را از سایر مجرمین متمایز می‌کند (Green, a, 2004:8). برخی تلاش کرده‌اند با ارائه تعریفی متفاوت، ویژگی‌های این جرایم را صرف‌نظر از مرتکبین مشخص نمایند: «یک عمل یا پاره‌ای از اعمال غیرقانونی که با توسل به حيله و مخفی کاری و بدون استفاده از زور فیزیکی برای تحصیل پول یا مال یا مزایای شغلی ارتکاب می‌یابند» (Edleherz, 1970:3). پلیس آمریکا FBI نیز تعریفی مشابه بدست داده است: «آن دسته از اعمال غیرقانونی که با فریب، مخفی کاری یا سوء استفاده از اعتماد از سایر جرایم متمایز می‌گردند و به استفاده از زور فیزیکی یا خشونت یا تهدید به آن، متکی نیستند. افراد و سازمان‌ها به منظور تحصیل پول، مال یا خدمات یا برای اجتناب از پرداخت پول یا از دست دادن پول یا خدمات یا برای تضمین نفع شخصی یا شغلی مرتکب آن می‌شوند» (FBI, 1989:3).

تردیدی نیست که مخفی کاری یکی از ویژگی‌های مهم جرایم یقه سفیدی است؛ بدین معنی که مرتکبین، فعالیت‌های غیرقانونی خود را علنی نمی‌کنند بلکه سعی می‌کنند ظاهر قانونی و موجه به فعالیت‌های خود بدهند. برخلاف فعالیت‌های تروریستی که در صدد جلب توجه و ایجاد وحشت در جامعه هستند، مجرمین یقه سفید با ناشناخته ماندن فعالیت‌های غیرقانونی خود، بهتر می‌توانند رشد کنند. لازمه مخفیانه بودن عملیات، حداقل توسل به زور فیزیکی است؛ از این رو این اشخاص به جز در موارد خیلی استثنایی و ضروری، متوسل به خشونت نمی‌شوند. فریب و حيله و همچنین تزویر و ظاهر سازی نیز در بطن رفتار آنان نهفته است و جزیی از مخفی کاری تلقی می‌شود. نهایتاً جرایم یقه سفیدی با هدف نهایی کسب ثروت یا مزایای شغلی بیشتر به طرق غیرقانونی ارتکاب می‌یابند.

بزهکاران یقه سفید که در برابر بزهکاران یقه آبی و یقه چرکین (Blue-collar Criminals) قرار گرفته‌اند، از نظر سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی، صاحب نفوذ و اقتدار زیاد هستند و به اعتبار وضع آراسته ظاهری که اغلب به شکل کت و شلوار تیره، پیراهن سفید و کراوات متناسب است، از گروه اخیر قابل تشخیص هستند. جرایم یقه سفید برخلاف جرایم خیابانی و سستی، بدون استفاده از خشونت یا نیروی عضلانی صورت می‌پذیرند (موسوی مجاب، ۱۳۸۳: ۸-۶۷). مجرمین یقه سفید به خاطر نیازهای روزمره مرتکب جرم نمی‌شوند؛ بلکه به جهت زیاده خواهی و افزون طلبی مرتکب جرم می‌شوند.

به خاطر ظاهر موجه و فریبنده مجرمین یقه سفید، مجازات آنان نیز با تضاد مواجه می‌شود. زیرا در مجازات مجرمین یقه سفید با جرایم شدید و وخیم از حیث آثار اقتصادی و اجتماعی و مجرمین خوب و موجه نما رو به رو هستیم (Freiberg, 2000: 7).

۵- ارتباط جرایم یقه سفیدها با جنایات سازمان یافته

ارتکاب جرم به صورت گروهی و سازمان یافته قدمت زیادی دارد، ولی مهم‌ترین سند جهانشمولی که برای نخستین بار به طور جامع به بررسی و مقابله با این جنایات پرداخته، کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملی است که در دسامبر ۲۰۰۰ در پالمرموی ایتالیا به امضای دولت‌ها رسید.

کنوانسیون پالمرو به تعریف «جنایت سازمان یافته فراملی» پرداخته است؛ لیکن ماده ۵ کنوانسیون صرفاً به «جرم/نگاری مشارکت در یک گروه جنایتکارانه سازمان یافته» پرداخته که علت این امر را باید در ارتباط تام «جنایت سازمان یافته فراملی» و «گروه جنایتکارانه سازمان یافته» جستجو کرد که این دو لازم و ملزوم هم می‌باشند. در بند الف ماده ۲ کنوانسیون که به تعریف واژگان مورد استفاده در این کنوانسیون اختصاص یافته چنین آمده است:

«گروه جنایتکارانه سازمان یافته» به معنی یک گروه واجد ساختار تشکیلاتی مرکب از سه نفر یا بیشتر است که برای مدت زمانی موجودیت می‌یابد و با هدف ارتکاب یک یا چند جنایت شدید یا جرائم مندرج در این کنوانسیون به منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم یک نفع مالی یا نفع مادی دیگر به طور هماهنگ فعالیت می‌کند.

بنابراین، از نظر این کنوانسیون اولاً اگر فقط دو نفر با همفکری و همکاری هم به ارتکاب جرائم موضوع این کنوانسیون مبادرت ورزند، مشمول تعریف این کنوانسیون نمی‌شوند؛ چون حداقل تعداد باید سه نفر باشد.

ثانیاً اگر تعدادی گرد هم آمده و با تباری قبلی مرتکب جرمی شوند و سپس متفرق گردند، عمل نامبردگان مشمول کنوانسیون نمی‌گردد هرچند این جرم «سازمان یافته» و «فراملی» باشد و به منظور کسب منافع مادی صورت گرفته باشد. زیرا گروه باید برای «مدت زمانی» موجودیت داشته باشد. این شرط، ویژگی استمرار و تداوم ارتکاب جنایت سازمان یافته فراملی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر گروهی برای ارتکاب جرمی واحد گرد هم آیند؛ گروه جنایتکارانه سازمان یافته محسوب نمی‌گردند.

ثالثاً اگر گروهی که واجد تمام اوصاف «سازمان یافته، فراملی، سه نفر یا بیشتر، با هدف ارتکاب جرم و برای مدتی نامحدود» تشکیل شود و مبادرت به ارتکاب جرم نماید، ولی «انگیزه» ارتکاب جرم تحصیل منافع مادی و مالی نباشد، در این صورت نیز چنین جرمی مشمول تعریف مندرج در این کنوانسیون نمی‌گردد (سلیمی، ۱۳۸۲: ۶-۳۲).

برای مقایسه دقیق‌تر جرایم یقه سفید و سازمان یافته، ویژگی‌های جرم اخیر باید تبیین شود. یکی از حقوقدانان دوازده مورد احصاء کرده که «جنایت سازمان یافته» واجد تمام یا برخی از آن اوصاف است. این اوصاف عبارتند از: ۱- شرکای آنها به منظور انجام فعالیت جنایتکارانه گرد هم جمع شده‌اند؛ ۲- هدف نهائی آنها تحصیل سود به طرق غیرقانونی است؛ ۳- آنها به اخاذی و خشونت به عنوان وسیله نیل به اهدافشان چه در درون گروه یا در تعقیب اهداف بیرونی متوسل می‌شوند؛ ۴- افساد و رشوه به مقامات عمومی و سایرین جزء روش عملیاتی آنهاست؛ ۵- آنها منافع خود را با تقلب در پرداخت مالیات و رویه‌های تجارت یغماگرانه و انحصارگرایانه افزایش می‌دهند و از ارتشاء برای نفوذ و واژگونی فعالیت‌های تجاری مشروع استفاده می‌کنند؛ ۶- آنها به تطهیر پول برای بازیافت و افزایش منافع متوسل می‌گردند؛ ۷- آنها اساساً در یک زمینه ملی عمل می‌کنند حتی زمانی که شعب یا فعالیت‌های فراملی دارند؛ ۸- حضور و فعالیت‌های گروه به طور منفی بر جامعه اثر می‌گذارد؛ به این صورت که گروه با تهدید امنیت و نظم عمومی و سایر منافع اجتماعی و اقتصادی، عملیات خود را انجام می‌دهد. ۹- آنها غالباً، ولی نه همیشه، در یک ساختار سلسله مراتبی با یک رهبر

واحد در راس، متمرکز و سازمان یافته شده‌اند؛ ۱۰- اعضای رده پایین متعهد به وفاداری به سازمان هستند که این امر با نظم خاصی شامل مرگ در صورت کوتاهی، سرپیچی یا بی وفایی، تضمین و تقویت می‌شود؛ ۱۱- عضویت بر اساس معیارهای وفاداری، بی‌رحمی و مهارت‌های جنائی و در سازمان ائتلافی همراه با عضوگیری سری صورت می‌گیرد؛ ۱۲- رازداری و خفاء یکی از ویژگی‌های آنهاست (BASSIOUNI, 1998: xxvii-xxviii).

تحصیل منافع مادی و مالی به شیوه‌های غیرقانونی، مهم‌ترین ویژگی و نیز وجه اشتراک این دو جرم می‌باشد. وجود برخی شرایط در هر یک از این دو جرم ضرورت دارد که در دیگری ضروری نیست؛ ولی عملاً در بیشتر موارد در این زمینه نیز اشتراک دارند. برای نمونه در جرایم سازمان یافته، وجود گروه جنایی و تداوم فعالیت مجرمانه آن ضرورت دارد. در جرایم یقه سفیدی چنین ضرورتی وجود ندارد یعنی افراد منفرد نیز ممکن است به صورت غیرمنسجم مجرمین یقه سفید تلقی شوند. با این حال، در اغلب موارد جرایم یقه سفیدی نیز به صورت گروهی و منسجم ارتکاب می‌یابند. از سوی دیگر، در جرایم یقه سفیدها، داشتن موقعیت عمومی و دولتی از خصایص مهم آن است، ولی در جرایم سازمان یافته چنین قیدی وجود ندارد. با وجود این، در بیشتر موارد مدیران گروه‌های جنایی افراد ذی نفوذ حکومتی هستند. از این رو در اغلب موارد تفکیک این دو جرم در عمل بسیار دشوار است؛ چون از یک جهت مرتکبین مجرم یقه سفید تلقی و از سوی دیگر عضو گروه جنایی سازمان یافته به شمار می‌روند.

به همین دلیل، در دهه گذشته برخی اظهار نظر کرده‌اند که در آینده نزدیک تفکیک بین جرایم سازمان یافته و جرایم یقه سفید به جز به منظورهای آکادمیک و نظری، امکان‌پذیر نخواهد بود (Hobbs 1994:459). تعداد زیادی از نویسندگان و صاحب نظران جرم یقه سفید را یکی از اشکال و مصادیق جنایت سازمان یافته می‌دانند (Wright, 2006:63).

برخی نیز جرم یقه سفیدی را فاقد وصف سازمان یافتگی دانسته و معتقدند جرم یقه سفیدی در محیطی غیر از محیط بزهکاران حرفه ای اتفاق می‌افتد (دانش، ۱۳۷۶: ۳۲۱).

نویسنده دیگری جنایت سازمان یافته را به چهار نوع تقسیم کرده است:

«۱- گانگستریم با شیوه‌های خشن («راکت» یا اخذ به زور، گروگان گیری، سرقت

مسلحانه...)

۲- بزه کاری با مکر و فریب (کلاهبرداری، شانتاژ، تقلب انفورماتیک...)

۳- بهره‌برداری از سوء تمایلات دیگری (فحشا، قمار)؛

۴- جنایت یقه سفید یا تبهکاری در امور معاملات مواد مخدر» (گسن، ۱۳۷۴: ۴۵).

البته محدود کردن جرایم یقه سفیدی به یک نوع جنایت سازمان یافته صحیح نیست؛ چون جرم یقه سفیدی الزاماً به صورت سازمان یافته صورت نمی‌گیرد؛ اگرچه در اغلب موارد سازمان یافته است. هرچند جرایم یقه سفیدی اگر حتی به صورت سازمان یافته ارتکاب نیابند، عملاً با همکاری و هماهنگی افراد متعدد صورت می‌گیرند، لیکن ممکن است این همکاری واجد تمامی خصوصیات سازمان یافتگی نباشد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که بین این دو نوع بزهکاری رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد؛ یعنی برخی جرایم سازمان یافته جرایم یقه سفیدی هستند، برخی جرایم سازمان یافته جرایم یقه سفیدی نیستند و برخی (بیشتر) جرایم یقه سفیدی جنایت سازمان یافته هستند و برخی (اندکی) جرایم یقه سفیدی، جرایم سازمان یافته نیستند.

۶- بزه دیدگی در جرم یقه سفیدی

برخلاف جرایم خشونت بار که بزه دیده مستقیم و تقریباً منفرد و مشخص دارند، شاید در بیشتر جرایم یقه سفیدی شخص معینی بزه دیده نباشد. اما این امر به هیچ عنوان به معنی بدون بزه دیده بودن این جرم نیست. برخی از مصادیق جرایم یقه سفیدی به ظاهر بزه دیده مستقیم ندارند. برای نمونه در فساد مالی و ارتشا و تخصیص یارانه به ناروا، به ظاهر بزه دیده مستقیم وجود ندارد. البته ارتشا در مواردی که در روند اجرای عدالت تأثیر می‌گذارد، بزه دیده مستقیم خواهد داشت. برای مثال اگر قاضی رشوه گرفته و علیه کسی به ناروا حکمی صادر کند، محکوم علیه بزه دیده جرم ارتشا تلقی می‌شود. در ایران در موارد زیادی به خاطر عدم انجام وظیفه صحیح و سریع برخی مأمورین دولتی، رشوه به منظور احقاق حق یا تسریع در روند آن پرداخت می‌شود؛ در چنین مواردی چون شخص برای رسیدن به حق مسلم خود ناچار به پرداخت وجه، مال یا امتیازی شده است، لذا خود این شخص بزه دیده جرم است.

در برخی جرایم بزه دیدگی بسیار جزئی و کم اهمیت به نظر می‌آید؛ مثل اینکه کسی کالاهای یارانه ای را در سطح کلان تحصیل و ۲۰٪ بالاتر از قیمت مصوب توزیع کند. برای نمونه شیر دویست تومانی را به قیمتی معادل ۲۴۰ تومان در سطح گسترده توزیع کند. در این دسته از جرایم به خاطر تعدد بزه دیدگان و گستردگی جرم ارتكابی، اگرچه بزه دیدگی هر یک از بزه دیدگان بسیار ناچیز و کم اهمیت است، ولی حجم آن در مجموع بسیار گسترده است و به هر حال به نظام و سیاست اقتصادی کشور نیز صدمه می‌زند.

برخی جرایم مانند جرایم گمرکی ظاهراً بزه دیده مشخص ندارند؛ اما ورود یا خروج کالاها از مرز کشور بدون رعایت ضوابط قانونی حسب مورد می‌تواند به تولید کننده داخلی، مصرف کننده داخلی یا بازرگان سالم صدمه بزند. در مورد برخی کالاها به منظور حمایت از

تولید داخلی، واردات کالاهای خارجی تابع محدودیت‌ها و ضوابط خاص می‌گردد؛ چنانچه با نقض این محدودیت‌ها یا عدم پرداخت عوارض گمرکی کالایی وارد کشور شود، تولید کننده داخلی به خاطر عدم امکان رقابت، آسیب می‌بیند. در مواردی به منظور حمایت از مصرف کننده داخلی، صادرات کالایی تابع ضوابط خاص می‌شود در این صورت نیز نقض ضوابط حاکم، موجب ورود صدمه به مصرف کنندگان داخلی خواهد شد. در نهایت چنانچه برخی بتوانند بدون رعایت ضوابط گمرکی، به واردات یا صادرات کالاها اقدام کنند، رقبای سالم اقتصادی را که با رعایت ضوابط به این امر مبادرت می‌ورزند، با شکست رو به رو می‌کنند.

بزه دیدگی در برخی جرایم یقه سفیدی نامحسوس‌تر است. برای مثال در مواردی که اقدامات انجام گرفته در طول چندین دهه موجب فرسایش تدریجی جنگل‌ها و محیط زیست طبیعی می‌شود، بزه دیده مستقیم وجود ندارد ولی در طول زمان کل جمعیت یک منطقه و بلکه کل جهانیان از چنین اقدامی متضرر می‌شوند. بزه دیده چنین جرایمی نیز ممکن است نسل فعلی یا نسل‌های آتی یا هر دو باشند.

بیشتر جرایم یقه سفیدی علاوه بر تأثیری که بر افراد خاصی دارند، در زمینه اخلال در نظام اقتصادی ملی و حتی بین‌المللی وجه اشتراک دارند. بنابراین خود جامعه، بزه دیده اصلی این جرایم به شمار می‌آید و پیشگیری و مبارزه با این جرایم از حیث صیانت جامعه و تک تک افراد آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

بنابراین ملاحظات، افراد جامعه از یک سو باید تشویق به همکاری جهت مقابله با جرایم یقه سفیدی شوند و از سوی دیگر، تضمینات کافی داشته باشند که در قبال همکاری با مقامات پلیسی، قضایی و اداری ذی صلاح از حمایت کافی برخوردار خواهند بود.

در مورد جرایمی مانند چک بلامحل، کلاهبرداری، جرایم کامپیوتری و اخاذی که بزه دیده مشخصی دارند، در بیشتر قوانین جبران خسارت بزه دیده، از جمله با استرداد اموال به وی، پیش بینی شده است (Green, 2004, b:20). در قوانین ایران نیز در بیشتر موارد رد مال به صاحب آن پیش بینی شده است. برای نمونه در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری رد مال موضوع کلاهبرداری و در ماده ۲ این قانون رد مالی که بدون مشروعیت قانونی تحصیل شده، پیش بینی شده است.

از نظر جبران خسارات مادی به بزه دیده، رد مال، تمهیدی مثبت ولی ناکافی است؛ چون در موارد زیادی ممکن است به مجرم دسترسی حاصل نشود. «در واقع شکایت قانونی بزه دیده از مجرم، که اغلب اوقات نیز مؤثر است، آنهم در صورت امکان دست یابی به وی، برای جبران خسارت کافی نیست. بدین جهت است که قانون‌گذاران، در کشورهای مختلف، به اتخاذ تدابیر گوناگون - مؤثرتر - روی آورده‌اند که می‌توان به بیمه اجباری رانندگان اتومبیل

اشاره کرد. بعدها، برخی از کشورها (انگلستان، زلاند نو، برخی از ایالات آمریکا، کانادا) با ایجاد یک بخش ویژه مددکاری و امکان طرح دعوی زیان دیده از جرم علیه دولت یا یک نهاد دولتی، امکان جبران خسارت واقعی از مجنی علیه را فراهم ساخته‌اند.» (آنسل، ۱۳۷۵: ۱۲۹) در ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی، در شرایط خاصی در خصوص دیه جنایت عمد و شبه عمد، پرداخت آن از بیت‌المال پیش بینی شده است. اما با توجه به ماهیت جرایم یقه سفیدی که غیرخشن هستند و پرداخت دیه در آن معمولاً موضوعیت پیدا نمی‌کند، چنین تمهیدی اندیشیده نشده است. در برخی کشورها علاوه بر حمایت اقتصادی و مالی، با توجه به جرم ارتكابی و شخصیت بزه دیده، حمایت‌های پزشکی، روانی و اجتماعی از بزه دیدگان توسط بخش‌های عمومی و خصوصی به عمل می‌آید. (لیز و فیلیزولا، ۱۳۷۹: ۱۲۵-۱۳۳)

در ماده ۵۹۱ قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده است «هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌گردد.» و تبصره ماده ۵۹۲ اشعار می‌دارد: «در صورتی که رشوه دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا گزارش نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد.» گزارش کردن پرداخت رشوه به عنوان عاملی که مرتکب را از مجازات حبس معاف می‌کند، نوعی عامل تشویق شهروندان به همکاری در مقابله با ارتشا است. نظر به اینکه بزه‌کاران یقه سفید در اغلب موارد افراد ذی نفوذ هستند، لذا شایسته است بزه دیدگان و شهودی که با مأمورین اجرای قانون همکاری می‌کنند، به نحو شایسته تری مورد حمایت قانونی قرار گیرند.

۷- جرم‌انگاری و مجازات

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها اقتضا دارد که برای امکان تعقیب کیفری هر عملی، ابتدائاً آن عمل جرم‌انگاری شده باشد یعنی به طور مشخص در قوانین مصوب عمل مجرمانه و ارکان متشکله آن تعریف و مجازات آن مشخص شده باشد. در نظام حقوقی ایران - همچون بسیاری دیگر از کشورها - بیشتر مصادیق جرایم یقه سفیدی جرم‌انگاری شده است. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور، قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی، قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و بهداشتی درمانی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قانون مجازات اسلامی و... هرکدام یک یا چند مورد از مصادیق جرایم یقه سفیدی را جرم‌انگاری کرده‌اند. با

این وجود نوعی تشدد و پراکندگی در قوانین به چشم می‌خورد و در برخی موارد مجازات بعضی جرایم با توجه به آثار و عواقب آن و در مقایسه با موارد مشابه متناسب به نظر نمی‌رسد. بکاریا بیش از دو قرن پیش به ضرورت تناسب میان جرایم و مجازات‌ها تأکید کرده است: «مصلحت عموم در این است که جرم نه تنها ارتکاب نیابد، بلکه هر قدر زیان بیشتر به جامعه وارد آورد، به ندرت اتفاق افتد. بنا براین، موانعی که مردمان را از ارتکاب جرم باز می‌دارد باید به همان اندازه که این جرایم مغایر با منفعت عموم است و شدیدتر به آن آسیب می‌رساند قوی باشد. از این رو، باید میان جرایم و مجازات‌ها تناسبی برقرار باشد» (بکاریا، ۱۳۸۰: ۹۲).

برخی از مصادیق نیز به طور کلی جرم‌انگاری نشده‌اند. هر چند در مواردی اقدامات اولیه جهت تنظیم طرح یا لایحه صورت گرفته ولی نتیجه نهایی که تصویب و اجرای قانون باشد، جامه عمل نپوشیده است. برای نمونه، می‌توان لایحه جرایم رایانه‌ای را مثال زد که هنوز به تصویب نهایی نرسیده است. چنانچه قوانین همگون و جامعی به تصویب رسد و اراده کافی بر انجام آنها وجود داشته باشد، قطعاً موجب کاهش جرم می‌شود.

ارتکاب جرایم یقه سفیدی، خصوصاً در مواردی که شخصی دو یا چند مورد از مصادیق این جرم را مرتکب شده باشد (تعدد مادی جرم)، در قوانین و رویه قضایی برخی کشورها از عوامل مشدده کیفر تلقی شده است (Green, 2004, b:19).

به خاطر آثار زیان بار گسترده که از ارتکاب جرایم یقه سفیدی به جامعه تحمیل می‌شود، قوانین و رویه قضایی برخی کشورها در سال‌های اخیر با شدت عمل بیشتر با این جرایم برخورد می‌کنند و طبع غیرخشن این جرایم و ظاهر موجه نمای مرتکبان، مانع از اعمال مجازات نشده است. برای نمونه در جولای ۲۰۰۵، در ایالات متحده کسی به اتهام ارتکاب جرایم یقه سفیدی به تحمل ۲۵ سال حبس محکوم شد. این نخستین بار در نظام قضایی آمریکا بود که شخصی بدون سابقه کیفری و بی آنکه به جرم خشونت بار یا قاچاق مواد مخدر مبادرت ورزیده باشد، به چنین مجازات سنگینی محکوم گردید (Henning, 2005:1).

در سال‌های اخیر در مواردی، تعقیب مجرمین یقه سفید بعد فراملی یافته است. در سال ۲۰۰۵ با اجرای قوانین جزایی یک کشور (کانادا) در محاکم قضایی کشوری دیگر (ایالات متحده) سنت شکنی شده است. به صورتی که اشخاصی به خاطر فرار از قوانین گمرکی و مالیاتی کانادا در ایالات متحده آمریکا محاکمه و به تحمل مجازات محکوم شدند (Podgor, 2005:6).

۸- نتیجه‌گیری

با توجه به ظاهر موجه و موقعیت اجتماعی و شغلی مرتکبین و همچنین طبع غیرخشن مجرمین یقه سفید، شناسایی و تعقیب آنان با مشکلات بیشتر رو به رو می‌شود. سازمان یافته و تشکیلاتی بودن ارتکاب این جرایم نیز قدرت بیشتر به مرتکبان آن داده و مبارزه با آن را مشکل‌تر می‌کند. با عنایت به اینکه مرتکبان این جرایم از ناآگاهی مردم و مسئولین با حسن نیت، نهایت استفاده را می‌برند و هرگونه ابهام در قوانین و جهل مردم و مسئولین اجرای قانون، عامل رونق و آگاهی و شفافیت سبب شکست فعالیت مجرمین یقه سفید است، از این رو، مهم‌ترین وسیله پیشگیری و مبارزه با این جرایم، اطلاع‌رسانی و معرفی ویژگی مجرمین یقه سفید و آثار اعمال مجرمانه آنها بر جامعه است. از طریق اطلاع‌رسانی، کلیه شهروندان باید آگاه شوند که ارتکاب جرایم یقه سفیدی بر زندگی روزمره آنان اثرات زیان بار مستقیم دارد. بنابراین، شهروندان باید هم از طریق رسانه‌های عمومی و هم وضع قوانین متناسب خود را ذی نفع در مبارزه با مجرمین یقه سفید بدانند و تشویق به همکاری شوند. نحوه عمل این مجرمین و چگونگی اثرگذاری این اعمال مجرمانه باید به اطلاع عموم برسد و روش همکاری مردم با مامورین آموزش داده شود.

قوانین ایران در مبارزه با جرایم یقه سفیدی از تشتت و ابهام زیاد رنج می‌برند. در حالی که در مواردی حتی مجازات اعدام برای اخلاص کنندگان در نظام اقتصادی کشور پیش بینی شده است، در مواردی مثل پولشویی که پس از بیش از پنج سال بعد از تنظیم لایحه اولیه آن، به تصویب رسید، به خاطر عدم تناسب ضمانت اجرایی پیش بینی شده، اثر چندانی نخواهد داشت؛ چون صرفاً جزای نقدی معادل یک چهارم مال موضوع پولشویی برای مرتکبین این عمل مجرمانه پیش بینی شده است. با مقایسه این مجازات با مجازات‌های شدیدتر مقرر برای جرایم سنتی علیه اموال از قبیل سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تخریب و... این تشتت و بی‌نظمی در سیاست کیفری روشن‌تر می‌شود.

مبارزه با مجرمین یقه سفید صرفاً از طریق سیاست سرکوبگرانه کافی نیست؛ بلکه همچنین ضرورت دارد از بزه دیدگان جرایم یقه سفیدی حمایت کافی از جهات مختلف به عمل آید تا علاوه بر جبران خسارات وارده، در قبال انتقام جویی احتمالی مجرمین یقه سفید در امان باشند. نظام پلیسی و قضایی باید به گونه‌ای تقویت شود که مردم از سلامت و کفایت آن اطمینان داشته باشند و بدون دغدغه خاطر به آن متوسل شوند.

بنابراین، وضع قوانین متناسب و شفاف و آموزش نیروی کار متخصص، اعم از قضایی، پلیسی و اداری کارآمد و نهایتاً تشویق عموم مردم به همکاری در مبارزه با این جرایم از طریق اطلاع‌رسانی و آموزش عمومی برای مقابله با مجرمین یقه سفید اهمیت اساسی دارد.

منابع و مآخذ

الف- فارسی

۱-۱- کتابها

۱. آنسل، مارک، (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آثوری و علی حسین نجفی ایرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران چاپ سوم؛
۲. بکاریا، سزار، (۱۳۸۰)، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، نشر میزان، تهران، چاپ چهارم؛
۳. دانش، تاج زمان، (۱۳۷۶)، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ انتشارات کیهان، تهران، چاپ هفتم؛
۴. سلیمی، صادق، (۱۳۸۲)، جنایات سازمان یافته فراملی، انتشارات تهران صدا، تهران، چاپ اول؛
۵. گسن، رمون، (۱۳۸۴)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، انتشارات مجد، تهران؛
۶. لیز، ژرار و ژینا فیلیزولا، (۱۳۷۹)، بزه دیده و بزه دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.

۲-۱- مقالات

۱. موسوی مجاب، سید درید، ۱۳۸۳، بزهکاران یقه سفید، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۳، ص. ۶۱-۷۴؛
۲. روزنامه ایران، شماره ۲۴۷۵، سه شنبه ۶ خرداد ۱۳۸۲.

ب- خارجی

2.1. Books

1. Bassiouni, M. Cherif and Eduardo Vetere, (1988), **Organized Crime; A compilation of U.N. Documents 1975-1998**, Transnational Publishers, Inc. Ardsley, New York;
2. Croal, Hazel., (2001) "**Understanding White Collar Crime**". Philadelphia: Open University Press;
3. Hobbs, D. (1994) "**Professional and Organized Crime in Britain**", in M. Magurie, R. Morgan and R. Reiner. *Oxford Handbook of Criminology*, Oxford University Press.
4. Sutherland, Edwin, (1983) **White Collar Crime: The Uncut Version**. New Haven: Yale University Press.
5. Wright, Alan. (2006) "**Organised Crime**", UK: Willan Publishing.

2.2. Articles

1. Freiberg, Arie, "**Sentencing White-Collar Criminals**" paper presented at the Fraud Prevention and Control Conference Convened by the Australian Institute of Criminology in association with the Commonwealth Attorney-General's Department and held in Sufer Paradise, 24-25 august 2000;
2. Goldsmith, Michael, "**Resurrecting Rico: Removing Immunity for White-Collar Crime**". Harvard Journal on Legislation, Vol. 41, 2004;
3. Green, Stuart P., "**Moral Ambiguity in White Collar Criminal Law**". Notre Dame Journal of Law, Ethics and Public Policy, Vol. 18, 2004;
4. Green, Stuart P., "**The Concept of White Collar Crime in Law and Legal Theory**" Buffalo Criminal Law Review, Vol. 8, No. 1 2004;

5. Green, Stuart P., "**Uncovering the Cover-Up Crimes**". American Criminal Law Review, Vol. 42, 2005;
6. Henning, Peter J., "**White Collar Crime Sentences After Booker: Was the Sentencing of Bernie Ebbers Too Harsh?**" . McGeorge Law Review, Vol. 37, 2006;
7. Hirschauer, Norbert, Musshoff, Oliver and Scheerer, Sebastian, "**An Interdisciplinary Approach to White-Collar Crime in the Food Sector**" (August 2006). IAAE (International Association of Agricultural Economists) Conference, Brisbane Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=900502>
8. McBarnet, Doreen J., "**After Enron: Will 'Whiter Than White Collar Crime' Still Wash?**" British Journal of Criminology, Forthcoming Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=917838>
9. Podgor, Ellen S., "**A New Dimension to the Prosecution of White Collar Crime: Enforcing Extraterritorial Social Harms**" . McGeorge Law Review, Vol. 37, No. 1, Fall 2005;
10. U.S. Department of Justice, Federal Bureau of Investigation, **White Collar Crime: A Report to the Public** (1989).